



چگونه از شر شیطان در امان باشیم؟

آیت‌الله علی عراقچی همدانی، استاد اخلاق برجسته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم در گفتار زیر که در پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب منتشر شده است، با توجه به حدیثی از حضرت علی علیه‌السلام برنامه‌ای را برای دوری از شیطان پیشنهاد می‌کند:

آیت‌الله علی عراقچی همدانی، استاد اخلاق برجسته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم در گفتار زیر که در پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب منتشر شده است، با توجه به حدیثی از حضرت علی علیه‌السلام برنامه‌ای را برای دوری از شیطان پیشنهاد می‌کند:

انسان موجود شریفی است که از اول عالم خلقت تا الان کسی او را آن‌چنان که باید نشناخته است. افرادی هم که درباره‌ی انسان کنجکاو و پژوهش کرده‌اند، در پایان گفته‌اند: «#171؛ انسان؛ موجود ناشناخته».

انسان يك بُعد جسمانی و ظاهری دارد و يك بُعد ملکوتی و آسمانی. تنها کسانی می‌توانند انسان را تعلیم و تربیت کنند که او را بشناسند. این طور که از آیات شریفه‌ی قرآن و مکتب انبیاء برمی‌آید، شناخت انسان با توجه به این بُعد غیبی و ملکوتی‌اش، در انحصار انبیاء و ائمه علیهم‌السلام است. ایشان از ناحیه‌ی خدای متعال انسان را کاملاً می‌شناسند و لذا مأموریت دارند که انسان را تربیت کنند. وظیفه‌ی اصلی انبیاء تربیت آدمی است و لاغیر. البته کارها و خدمات دیگری هم دارند، اما وظیفه‌ی اصلی انبیاء همانا تربیت انسان‌ها بوده تا آن‌ها را به مقام والای خودشان برسانند.

قرآن می‌فرماید مقام انسان از همه‌ی موجودات بالاتر است. لذا مربی او هم باید خیلی بالا و والا باشد. قرآن انسان را مسجود فرشتگان معرفی می‌کند و در این باره تعبیر «#171؛ کلهم أجمعون»؛ (سوره‌ی ص، آیه‌ی ۷۳) را به کار می‌برد. یعنی همه‌ی فرشتگان و حتی فرشتگانی چون جبرئیل و میکائیل که مقام عالی دارند، در مقابل انسان و در برابر حضرت آدم تعظیم کردند. همین انسان همواره بین دو دعوت قرار دارد؛ یکی دعوت شیاطین جن و انس و دیگری دعوت فرشتگان و انبیاء. انسان دائماً بین این دو بالا و پایین می‌رود تا این که جذب مکتب انبیاء یا جذب راه و روش شیاطین شود. از اول خلقت تا الان نیز اکثرهم لایعقلون بوده‌اند. یعنی بیشتر افراد بشر جذب شیاطین شده‌اند. قرآن اما يك دسته را استثناء می‌کند که خود شیطان نیز قبول کرده و آن، بندگان مخلص (به فتح لام) خداوند است.

اگر انسان به دنبال تربیت شدن و ساخته شدن باشد، باید بداند که راهش نزدیکی به انبیاء الهی است. هرچه انسان به انبیاء نزدیک شود و به مکتب آنها اعتنا کند، ساخته و باکمالات می‌شود و هرچه از انبیاء فاصله بگیرد، حتماً به سمت جهل و نادانی و فساد خواهد رفت. این که قرآن در آیه‌ی شریفه‌ی «#171؛ ظَهَرَ الْقَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»؛ (سوره‌ی روم، آیه‌ی ۴۱) می‌گوید که فساد در دریا و خشکی، یعنی در تمام سطح دنیا گسترش پیدا می‌کند، به واسطه‌ی کارهایی است که بنی‌آدم می‌کند. هیچ وقت نمی‌گوید گوساله‌ها یا گوسفندها یا گربه‌ها این فساد را ایجاد می‌کنند، بلکه انسان است.

انسان است که دنیا و آخرت را آباد می‌کند و در بهشت بر دیگران شرافت دارد، منتها «#171؛ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»؛ (سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۱۳) خیلی کم هستند از افراد انسان که جذب انبیاء شده باشند. اگر انسان از جاذبه‌ی زمین خارج شود و مثلاً به سمت گره‌ی ماه برود، به ماه که نزدیک می‌شود، جاذبه‌ی ماه او را می‌کشد و اگر وسط واقع شود، نه جاذبه‌ی ماه او را می‌کشد و نه جاذبه‌ی زمین. تا آخرش که یا جذب زمین می‌شود یا جذب گره‌ی ماه. انسان دائماً این گونه است. یعنی دائماً شیاطین جذبش می‌کنند، انبیاء علیهم‌السلام هم دائماً جذبش می‌کنند تا این که این انسان جذب کدامیک شود. این مسأله‌ی پیچیده‌ای نیست.

اگر می‌خواهی شیطان سر به سرت نگذارد...

اگر کسی واقعاً بخواهد انسان باشد و از انسانیت استعفا ندهد، راهش از مکتب انبیاء الهی است. تعلیمات انبیاء دور از دسترس نیست و اگر افراد به این تعالیم عمل کنند، هیچ‌وقت گمراهی و فساد و فرورفتن در لجنزارها واقع نخواهد شد. شما يك بوته‌ی گل را تصور کنید که اگر بخواهید رشد کند و گل بدهد و زیبا باشد، باید مواظب آفت‌ها باشید تا آن را فاسد نکنند و گرنه آن گل رشد نمی‌کند. انسان هم همین‌گونه است.

بعضی از امور با انسانیت انسان منافات دارد و شناخت این امور چندان دشوار نیست. انبیاء به واسطه‌ی ارتباط با وحی الهی گفته‌اند که فلان کار را نکنید فلان کار را نکنید و اگر می‌خواهید انسان باشید، این‌ها را انجام دهید و آنها نه. اگر می‌خواهید شیاطین سر به سر شما نگذارند و در شما فساد ایجاد نکنند، این کارهای حرام را نکنید. همه‌ی این‌ها روشن است. ترك این گناهان خیلی مشکل نیست و ما خودمان مشکلكش می‌کنیم. حسب نقلی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام سؤال کردند که شما از

كجا به این مقام رسیدی؟ فرمودند: من يك دیواری دور قلب خودم کشیدم. يك دری هم برای آن گذاشتم. خودم کنار در ایستادم و نگذاشتم غیر از خدا وارد قلبم شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «تَبَّهْ بِالتَّفَكُّرِ قَلْبَكَ وَ جَافِ عَنِ اللَّيْلِ جَنَبَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ« (اصول کافی باب التَّفَكُّر حدیث ۱) قلبت را با فکر کردن بیدار کن. کلیدش تفکر است. بنشین و فکر کن. اصلاً مقابل آینه‌ای بایست و با خودت بگو من آدمم یا حیوان؟ اگر آدم هستی پس چرا برنامه‌ی حیوانات را عمل می‌کنی؟ چرا برنامه‌ی شیاطین را عمل می‌کنی؟ آدم هستی یا از آدمیت استعفا داده‌ای؟ حضرت می‌فرماید: با تفکر قلبت بیدار می‌شود و می‌فهمد که راه آدمیت را باید طی کند. راه حیوانات که راه من نیست. بله؛ جنبه‌ی حیوانیت هم دارم، اما نه طوری که تمام عمرم را به این جنبه بدهم.

در ادامه می‌فرماید: «و جَافِ عَنِ اللَّيْلِ جَنَبَكَ«، وقتی بخواهی خودت را بسازی، شیاطین زیاد سر به سرت می‌گذارند. لذا فاصله بگیر از این‌ها و به انبیاء نزدیک شو و با خدا ارتباط پیدا کن. پس شب‌ها بلند شو و مقداری با خدا مناجات کن. همه‌ی شب تا صبح را نگیر بخواب. اگر با خدا مناجات نکنی، نمی‌توانی از شر شیاطین در امان باشی.

در آخر امیرالمؤمنین می‌فرماید: «و اتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ«، تقوای الهی، یعنی چیزهایی را که خدا بر تو حرام کرده، همه را باید ترك کنی. غیبت نکن. دروغ نگو. مال مردم را تصرف نکن. پشت سر مردم حرف نزن. نقشه برای مردم نکش. عبادات را بجا بیاور. نمازت را سر وقت بخوان. روزه ات را بگیر و ...

وقتی کار خود را مشکل می‌کنیم

این کارها خیلی مشکل نیست. البته شاید تصورش مشکل باشد و طرف وقتی انجام این‌ها را تصور کند، خیال کند که مشکل است، اما وقتی انجام می‌دهد می‌بیند مشکل نیست. مثلاً این‌که دروغ نگوید یا مال مردم را نخورد، کجایش مشکل است؟ خدا روزی آدم را می‌رساند، منتها هوی و هوس باعث می‌شود آدم به اندازه‌ای که خدا قسمتش می‌کند، راضی نباشد و می‌خواهد از هر جهت و هر راهی که شده، بیشترش کند. پس خودش برای خودش مشکل ایجاد می‌کند. من الان افرادی را می‌شناسم که ورشکست شده‌اند و سرمایه و ثروت و آبرویشان از دست رفته، نه از باب این که می‌خواستند زندگی کنند، بلکه می‌گفتند این مقداری که من دارم کم است؛ می‌خواستند زیادش کنند، زیادی که به درد هم نمی‌خورد.

مثلاً من الان همین‌طور زندگی‌ام دارد اداره می‌شود. حالا يك میلیارد اضافه داشته باشم به چه دردم می‌خورد جز این‌که برایم گرفتاری درست کند؟ بله، اگر يك میلیارد می‌خواهم که به فقرا کمک کنم، قضیه فرق می‌کند، ولی معمولاً این نیست.

بنابراین ترك این گناهان خیلی مشکل نیست و ما خودمان مشکلش می‌کنیم. آن وقت شیطان می‌آید در قلب آدم لانه می‌کند. حسب نقلی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند که شما از کجا به این مقام رسیدی؟ فرمودند: من يك دیواری دور قلب خودم کشیدم. يك دری هم برای آن گذاشتم. خودم کنار در ایستادم و نگذاشتم غیر از خدا وارد قلبم شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام الگو است. البته کسی نمی‌تواند به علی علیه السلام برسد و کسی نمی‌گوید که تو مثل علی علیه السلام باش، اما می‌توانی در راه علی علیه السلام باشی. مثلاً آدم ببیند کاری را که می‌خواهد انجام دهد، آیا خدا راضی است یا نه؟ آیا پیغمبر خدا راضی است یا نه؟ آیا علی علیه السلام راضی است یا نه؟ خیلی غامض و پیچیده نیست. وقتی می‌گویند «حرام نخور«، این که دیگر سؤال ندارد!

ماه رمضان يك خصوصیتی دارد که رحمت خدا بیشتر نازل می‌شود. یعنی خداوند درب خانه‌ی رحمتش را باز می‌کند و بندگان خودش را دعوت می‌کند که بیایید شما را بیامرزم. بیایید خیرات به شما بدهم. همه‌ی این‌ها در ماه رمضان است. مثلاً دعای ابوحمزه‌ی ثمالی - که در سحرهای ماه رمضان سفارش شده- هرچه کمال و خیرات بخواهید، در آن هست و امام سجاد علیه السلام چیزی را واگذار نکرده است. حتی اگر هر مرتبه يك صفحه‌اش را بخوانید، برکات فراوان دارد. در ماه رمضان این‌همه برکات از ناحیه‌ی اولیای خدا نازل می‌شود. روزه گرفتن مقداری آدم را از این حیوانیت جدا می‌کند و مقداری به معنویات نزدیک می‌کند. خود روزه گرفتن کمال زیادی نصیب آدم می‌کند.